تاریخچه جنبش کمونیستی و مائوئیستیِ ترکیه

اولین حزب کمونیست ترکیه با مشی مارکسیسم لنینیسم، در سال ۱۹۲۱ تأسیس شد. در جریان یک‌رشته انشعابات متعدد صف‌آرائی‌های جدید در داخل حزب کمونیست ترکیه، مراکز مختلفی سربلند کرد که هر یک تحت همان نام و یا با نام‌های مشابه فعالیت می‌کردند و مدعی میراث آن حزب بوده‌اند. نام دو گروه‌بندی بزرگ امروز دقیقاً یکی است و فقط با دو علامت مختلف از هم تمیز داده می‌شوند: حزب کمونیست ترکیه(م ل)[به‌اختصار: ت ك پ)م ل)] و دیگری حزب کمونیست ترکیه - م ل [به‌اختصار: ت ك پ ــ م ل- که مخفف مارکسیست لنینیست است].

تشابه ظاهری این اسامی در میان مراکز مختلف کمونیستی ترکیه برای بسیاری از نسل جوان کمونیست در سراسر جهان که خواهان آشنایی با جنبش کمونیستی ترکیه هستند، کمی چالش‌برانگیز است. نام دو گروه بزرگ امروزه یکی است و فقط با یک عالمت "-" از هم تمیز داده می‌شوند. البته دراین‌بین، گروه سوم دیگری هم با نام حزب کمونیست ترکیه- م ل(مرکز مائوئیستی) کماکان موجودیت دارد و نوشته حاضر درواقع ترجمه‌ای است از مقاله‌ای به نام "تاریخ جنبش کمونیستی در ترکیه"، مورخه آوریل و می ۲۰۰۱ در خصوص تاریخچه این حزب و مندرج در شماره ۵-۴ نشریه "راهپیمایی خلق" که "صدای انقلاب مائوئیستی" هند می‌باشد .

ویراستار نشریه "راهپیمائی خلق" نوشته است: «این آخرین مجموعه از مقالات معرفی مبارزات بزرگ مسلحانه مائوئیست‌ها در جهان است و با توجه به بسیاری از اطلاعات که به زبان ترکی می‌باشد، این نوشته تلخیص و نسبتاً کوتاه هست.»

ترکیه، با جمعیت ۶۲میلیون و به مساحت هشت هزار کیلومترمربع، یکی از کشورهای استراتژیک جهان می‌باشد. با اروپا و خاورمیانه مرتبط و هم‌مرز است. به بالکان و شرق

اروپا متصل شده و یک پل اتصالی به شمال آفریقا است. با ۷ کشور یونان، بلغارستان، گرجستان، ارمنستان، ایران، عراق و سوریه و همچنین با دریای سیاه در شمال و دریای مدیترانه در غرب هممرز است. به همین جهت پیروزی انقلاب در ترکیه، تأثیر زیادی بر روی تمامی منطقه‌ی اروپا، بالکان، آسیای مرکزی، خاورمیانه و تا حدی شمال آفریقا خواهد داشت .اگرچه بخش عمده‌ای از جمعیت آن مسلمان است، اما جمعیت قابل‌ملاحظه‌ی ۹میلیون مسیحی را دارد. با توجه به اهمیت استراتژیک، پس از اسرائیل، ترکیه حامی اصلی امپریالیسم آمریکا در منطقه است. بنابراین، جنبش مائوئیستی در ترکیه از اهمیت جغرافیایی-سیاسی عظیمی به‌عنوان بخشی از انقلاب جهانی برخوردار است .

حزب کمونیست ترکیه در سال ۱۹۲۱ (یک سال بعد از تأسیس حزب کمونیست ایران - ژوئن ۱۹۲۰-به رهبری حیدر عمواغلی تأسیس شد.مترجم) در جلسه‌ای که در آذربایجان برگزار شد تأسیس گردید. هنگامی‌که رفقای مؤسس حزب در حال بازگشت از آن جلسه بودند، تمام ۱۳ نفر ازجمله رهبر آن‌ها مصطفی صوپحی(Suphi) در منطقه دریای سیاه کشته شدند. ازآن‌پس تا سال‌های ۱۹۶۰ یک حزب کمونیست رویزیونست در ترکیه وجود داشته است.

انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی در چین(۱۹۶۶) تأثیر قابل‌توجهی در انقلابیون ترکیه داشت. در طول انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین، در ترکیه یک جنبش ضد امپریالیستی رادیکال، که رهبری رفرمیست جنبش را به چالش کشید، شکل گرفت. در سال‌های ۱۹۷۰، از درون این قیام‌ها، که عمدتاً توسط دانشجویان آغاز شد، سه سازمان رادیکال تکامل‌یافته و به وجود آمد که عبارت‌اند از:

۱- ت.اچ.ك.او.(THKO) ارتش آزادی‌بخش خلق ترکیه، یا حزب کمونیست ترکیه- م ل، که طرفدار خط انور خوجه (آلبانی) شد .

۲- ت.اچ.ك.پ.- سی THKP-C، در حال حاضر به نام DHKP-C حزب انقلابی رهایی‌بخش خلق -جبهه که طرفدار مشی کوبا هست.

۳- ت.ك.پ – م ل، حزب کمونیست ترکیه-مارکسیست لنینیست.

در دهه۱۹۶۰ ،در درونTHKP (حزب کمونیست خلق ترکیه) در مورد مسائلی ازجمله کمالیسم، مسئله ملی(به‌طور خاص خلق کردستان ترکیه)، تجزیه‌وتحلیل اجتماعی و اقتصادی ترکیه، راه انقلاب، و غیره، بحث و مناظره شدیدی درگرفت و در جریان این امر، کمونیست انقلابی جوان به نام ابراهیم کایپاك کایای، مبارزه‌ی ایدئولوژیک انقلابیون علیه رفرمیستها را رهبری نمود. او مطرح کرد که در دوران امپراتوری عثمانی، ترکیه یک کشور فئودالی و استعماری بود؛ درحالی‌که این کشور در دوران کمال پاشا به یک کشور نیمه مستعمره و نیمه فئودالی تغییر کرد و درزمانی که دیگران کمالیسم را به‌عنوان جریان مترقی به تصویر می‌کشیدند، کایپاك کایا آنرا به‌عنوان یک جریان فاشیستی تجزیه‌وتحلیل نمود. همچنین او بود که برای اولین بار درك علمی از مسئله ملی در ترکیه را طرح کرد و دو ملیت-کرد و ترک را تعریف و توضیح داد. هیچ‌کدام از دیگر نیروهای انقلابی که شوونیست‌های اجتماعی بودند، ملت کرد را به رسمیت نمی‌شناختند و آن‌ها را فقط به‌عنوان یک اقلیت می‌شناختند. او استراتژی اساسی اولیه مائوئیستی برای انقلاب را طرح و به‌پیش گذارد، و مرزبندی روشن و خط فاصل بین مارکسیسم و رویزیونیسم، نه‌تنها در عرصه ایدئولوژیک- تئوریک بلکه در مورد مسائل تشکیلاتی را نیز ترسیم نمود. درزمانی که انقلابیون بسیاری از نیروهای خرده‌بورژوازی، مبارزه مسلحانه را با توصل به تئوری‌های چه گوارا(راه کوبا) را پذیرفته و راهنمای عمل خود قرار داده بودند، ابراهیم کایپاک کایا بود که مسیر جنگ درازمدت خلق را پیشاروی جنبش گذارد. هرچند بسیاری از گروه‌ها تحت تأثیر مائو قرار داشتند، اما هیچ‌کدام خدمات مائو به مارکسیسم را نمی‌پذیرفتند و باز این کایپاک کایا بود که گفت اندیشه مائوتسه دون یک مرحله بالاتر در تکامل مارکسیسم لنینیسم می‌باشد.

این کاپیاك کایا بود که از رهبری THKP رفرمیست (که در حال حاضر به‌عنوان "حزب کارگران" یا به ترکی Isci Partisi شناخته می‌شود) گسست نمود و حزب کمونیست ترکیه (TKP ML) در تاریخ ۲۴ آوریل سال ۱۹۷۲ را تأسیس نمود. او ۱۱ اصل را برای هدایت جنبش تدوین نمود و گفت که اصل وجود و رهبری حزب عمده است، تشکیل ارتش خلق یک وظیفه اولیه و عمده است، روستا و منطقه غیرشهری عمده می‌باشد و غیره... اما متأسفانه وی در اوایل سال ۱۹۷۳ ،در برخورد با دشمن مجروح شد. اگرچه او موفق به فرار شد، اما بعداً دوباره گرفتار گشته و برای ماه‌ها تحت شکنجه‌های شدید قرار گرفت. دولت فاشیستی ترکیه، که موفق به دریافت هیچ‌گونه اسرار سازمانی از او نشد، او را در ۱۸ ماه مه ۱۹۷۳ در سیاهچاله‌های دیاربکر (واقع در منطقه دِرسیم- Dersim) به قتل رساند و در این هنگام او تنها ۲۴ سال سن داشت.

علیرغم آنکه شهادت کاپیاك کایا، حزب را فاقد رهبری مرکزی نمود، اما سازمان‌های محلی به‌عنوان یک گام به سمت سازمان‌دهی مرکزی رشد نمودند. ولی در سال ۱۹۷۶، حزب با اولین انشعاب جدی مواجه گشت و به‌این‌ترتیب جناحی که تحت نام "اتحاد خلق" (Halkin Birligi) شکل‌گرفته بود که با خط اساسی تشکیلاتی حزب مخالفت نمود. این گروه رویزیونیسم طرفدار آلبانی تا سال ۱۹۹۴، قبل از آنکه به گروه دیگری بپیوندد، بانام "حزب کمونیست ترکیه- حرکت مارکسیست لنینیستی"(TKP-ML Hareketi) فعالیت نمود، که بعدازآن به حزب کمونیست مارکسیست لنینیست(MLKP) تغییر نام داد.

در سال ۱۹۷۸ اولین کنفرانس حزب برگزار شد و درحالی‌که یک مبارزه قدرتمند با انحراف راست (که به راه‌های مسالمت‌آمیز و رفرم یسم مبارزه معتقد بود) رهبری متمرکز را شکل داد اما در جلسه چهارم کمیته مرکزی، از خط مارکسیست-لنینیست-مائوئیست عدول و به سمت درك راست روانه(گرایش اپورتونیستی راست) گرایش پیدا نمود.

باوجودآنکه جنگ خلق را پذیرفت، اما تنها در تئوری باقی ماند و هیچ گام مشخصی برای پیشبرد مبارزه مسلحانه برداشته نشد. اگرچه این کشور برای وقوع کودتای نظامی ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ آماده می‌شد، گرایش راست حاکم بر کمیته مرکزی هیچ کاری برای آماده‌سازی حزب ننمود.

کودتای ۱۲ سپتامبر یک حمله گسترده به تمام سازمان‌های انقلابی را به دنبال داشت. یورش تنها به کشتار، شکنجه، اعدام‌های(ترور-م) خیابانی و غیره محدود نمی‌شد، بلکه همچنان با تهاجم اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و فرهنگی همراه بود. بسیاری از رهبران سازمان‌های کشور فرار کردند و بسیاری دیگر منفعل شدند.

بااین‌حال، کنفرانس دوم حزب با موفقیت در ژانویه ۱۹۸۱ برگزار گشت. کنفرانس در درجه اول خط مائوئیستی، در برابر حملات جناح طرفدار انور خوجه را تائید کرد. هرچند مبارزه مسلحانه را تائید نمود، اما در این کنفرانس تجزیه‌وتحلیل کنکرت و مشخص صورت گرفته از کشور بسیار به‌دوراز شرایط واقعی در ترکیه بود.

همچنین، طولی نکشید که اعضای کمیته مرکزی دوم در کنفرانس تغییر یافتند، اما این اعضا به‌سرعت، یا توسط دشمن اسیر و یا در درگیری مسلحانه کشته شدند. دبیر کل حزب، رفیق سلیمان سیهان در سال ۱۹۸۱ دستگیر شد. او را به طرز وحشیانه‌ای شکنجه و سپس به قتل رساندند و حزب اکثر اعضای کمیته مرکزی خود را از دست داد. خط حزب باز توسط تصمیم مشترك اعضای جدید بار دیگر به سمت راست رفت، و شدت جنگ چریکی آهسته شد و به‌این‌ترتیب عقب‌گرد و شکست سازمانی، به علت سرکوب فاشیستی با یک عقب‌گرد و شکست سیاسی و ایدئولوژیک نیز تداخل نمود.

درزمانی که آشفتگی‌های سیاسی توسط هر دو گرایش " چپ" و گرایش‌های فرصت‌طلبانه‌ی(اپورتونیستی) راست زندگی حزب را به‌طورجدی تحت تأثیر قرار داده بود ، حزب کنفرانس سوم خود را در سال ۱۹۸۷ برگزار نمود. انتقاد علیه اپورتونیسم راست حتی شدت بیشتری گرفت، ولی هفت نماینده کنفرانس در راه خود به دِرسیم Dersim که کنفرانس در آنجا برگزار می‌شد به شهادت رسیدند و همین کنفرانس تصمیم گرفت که جنگ چریکی را به‌عنوان وظیفه اصلی پیشاروی خود بگذارد. در این کنفرانس دو روند و دو گرایش وجود داشتند که روند دوم یک گرایش نظامی‌گرایی که خود را به نام دابک (DABK) می‌نامید، بود. اگرچه در این کنفرانس متحد شد، اما بعداً از حزب انشعاب کرده و جدا شد.

چهارمین کنفرانس حزب در سال ۱۹۹۱ زمانی که سوسیالیسم در سطح بین‌المللی تحت حملات گسترده بود، برگزار شد. این کنفرانس به صورتی پایدار و محکم مارکسیسم انقلابی را تائید کرد، شکست حاضر را موقتی توصیف نمود، گرایش‌های ملی‌گرایانه در کشور را تجزیه‌وتحلیل کرده و اظهار داشت که وظیفه اصلی حزب همچنان ادامه جنگ چریکی برای تصرف قدرت سیاسی سرخ است. در این کنفرانس همچنین تصمیم بر اتحاد با جریان دابک(DABK) که در سال ۱۹۸۷ از حزب انشعاب نموده بود، گرفته شد و برای این منظور یک کمیسیون وحدت برای انجام کارهای مقدماتی انتخاب گردید.

حزب در آوریل سال ۱۹۹۳ با گروه "دابک" متحد شده، و به‌منظور مشخص کردن مشکلات و تقویت وحدت، کنفرانس فوق‌العاده‌ای را در ماه مه و ژوئن ۱۹۹۳ فراخوان داده و برگزار نمود. مهم‌ترین تصمیم در این کنفرانس تغییر مقوله اندیشه مائوتسه دون به مائوئیسم بود. این کنفرانس اگرچه محتوای اندیشه مائوتسه دون به‌درستی درك شده بود، اما تدوین آن ناقص بوده است. اما مشکلات با گروه "دابک" ادامه یافت، و یک‌بار دیگر در

سال ۱۹۹۴ انشعاب دیگری رخ داد و حزب با اضافه کردن و استفاده از حروف مارکسیست- لنینیست در پرانتز به آخر نام خویش به فعالیتش ادامه داد. بااین‌وجود پذیرش مائوئیسم این نیز کافی نبود و از سنتز نوین برای پاسخگویی به شرایط کنونی تحت حاکمیت نظام سرمایه‌داری-امپریالیستی غافل ماند.

بیشتر آنکه حزب به خاطر آماده‌سازی مقدمات کنفرانس فوق‌العاده‌ی دوم خویش، جنبش تصحیح و تغییر همه جانبه‌ای را برای به سرانجام رساندن به خاطر تجزیه‌وتحلیل سال‌های گذشته را دامن زد. این سر تا کنفرانس در ماه اوت سال ۱۹۹۵ برگزار شد و تصمیم گرفت که کارزار تصحیح و تغییر "ازسر تا پا" را عملی سازد- به‌عنوان‌مثال از کمیته مرکزی شروع گشت و به مبانی اشتباهات ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی رفت. اپورتونیسم راست در درون حزب محکوم شد و به انواع انحلاطلبی پایان داده شد. همچنین در مورد سوءتفاهم‌ها و ضعف حزب در عرصه بین‌المللی به انتقاد از خودپرداخت و تصمیم گرفت اقدامات احتیاطی لازم در این زمینه را به‌پیش برد. این کنفرانس و تحرکات تصحیحی، انگیزه‌های نوینی به حزب داد .

وضعیت کنونی

امروزه این حزب دارای یک کمیته مرکزی می‌باشد که پنج کمیتهٔ منطقه‌ای تحت رهبرش است.

تمام اعضای آن انقلابیون حرفه‌ای هستند و با یک شبکه‌ی گسترده‌ای از هواداران متصل هستند. اگرچه این حزب در یک کشور مسلمان فعالیت می‌کند، ولی حزب و شاخه نظامی آن از تعداد زیادی کادر زن، ازجمله در سطوح بالایی حزب برخوردار بوده و تأکید و تشویق خاصی به جذب کادرهای زن داده می‌شود.

این حزب دارای شاخه نظام ای، به نام تیککو(TIKKO) ارتش آزادی‌بخش دهقانان و کارگران ترکیه، با اساسنامه نظامی خاص خود می‌باشد و مبارزه مسلحانه در کردستان ترکیه و منطقه دریای سیاه یعنی در دو منطقه از ترکیه دامن زده‌شده است. ارتش آزادی‌بخش علاوه بر کمیساریای نظامی، تحت یک فرماندهی کل اداره می‌شود. جبهه منطقه دریای سیاه بعد از کنفرانس سال ۱۹۹۵ بازشده و به برخی از پیشرفت‌های عمده دست‌یافته است. کردستان ترکیه در شرق ترکیه منطقه‌ای است که حزب در آن برای مدت طولانی کار کرده است، ولی با تلفات شدیدی نیز در این منطقه مواجه شده است. بسیاری از سطوح زمین در طول بیش از سه ماه از سال کاملاً زیرپوشش برف ضخیم قرار داشته و هر دو منطقه مورد سرکوب متمرکز شدید دشمن قرار دارد. با فروپاشی موقت جنبش ملی کردستان، به دلیل خیانت رهبری پ.ك.ك(PKK) (برای توضیح بیشتر در خصوص این مسئله پایین‌تر توضیحاتی موجود است)، دولت در حال حاضر قادر به تمرکز همه‌ی نیروهای خود در برابر مائوئیست‌ها شده است .

علاوه بر زمینه‌های مبارزه مسلحانه، حزب کمونیست ترکیه/مارکسیست-لنینیست(TKP/ML)دارای شبکه‌ی گسترده‌ای از فعالین در میان طبقه کارگر و جوانان، به‌ویژه در شهرهای آنکارا و استانبول است. در استانبول شبکه‌های بزرگی در میان کارکنان بخش خدمات و نیز برخی از اتحادیه‌های کارگری قوی در میان کارگران ساخته‌شده است و در این شهر همچنین دارای نفوذ رو به رشدی در میان دانشجویان و جوانان می‌باشد، طوری که جوانان دانشگاه یک مرکز اصلی برای حمایت از حزب بشمار می‌روند.

یک شبکه گسترده‌ای از مجالت به‌طور مستقیم یا به‌طور غیرمستقیم در ارتباط با حزب وجود دارد. مجله "کمونیست" که تنها برای اعضای حزب و هواداران نزدیک منتشر می‌شود و روزنامه مجله ایکالای(Ikkalai) ارگان غیرقانونی حزب برای توده‌ها است. این

روزنامه هر دو هفته یک‌بار به تعداد ۲۰۰۰ نسخه در ترکیه و ۴۰۰۰ نسخه در اروپا منتشر می‌شود. ماهنامه غیرقانونی "جوانان کمونیست" توسط حزب بیرون داده می‌شود، درحالی‌که انتشار مجله قانونی "جوانان دموکراتیک نوین" دو ماه یک‌بار منتشر می‌گردد. علاوه بر این، برای کارگران و اتحادیه‌ها، یک ماهنامه و یک مجله فرهنگی که هر دو ماه منتشر می‌شوند، وجود دارد. "زنان نوین" یک مجله‌ی مربوط به زنان، در ترکیه و نیز در خارج از کشور منتشر می‌شود. علاوه بر این حزب، دارای تعدادی از مجلات در سطح منطقه‌ای و محلی است.

همچنین در ترکیه یک جنبش دمکراتیک رو به رشد که از جنگ خلق پشتیبانی می‌کند وجود دارد. تعدادی از دفاتر وکلا برای کمک به مبارزات مردم وجود دارد. آن‌ها از حقوق بشر دفاع می‌کنند و تعداد زیادی گزارش تحقیقی علیه خشونت دولت بیرون می‌دهند، همچنین یک سازمان از بستگان شهدا و زندانیان سیاسی وجود دارد. این تشکل نه‌تنها در میان افراد مسنی که به‌عنوان حامیان بلکه به‌عنوان فعالین درگیر در این تشکل قدم به‌صف مبارزه گذاشته‌اند، از محبوبیت رو به افزایشی برخوردار می‌باشند. علاوه بر این، حزب دارای نفوذ زیادی در میان تبعیدیان کُرد/تُرك مستقر در اروپا، به‌ویژه آلمان است. (در اینجا لازم به ذکر است که شهروندان ترکیه در اروپا نیز ازجمله کسانی هستند که به دلیل ناامنی سیاسی، کشور را ترك نموده و پناهندگان ترك و کُرد تعداد قابل‌توجهی از فضای پناهندگی در اروپا را تشکیل می‌دهند. مترجم)

بااین‌حال، علاوه بر شبکه‌ای که در مناطق شهری ساخته‌شده است، وظیفه اصلی تعیین‌شده توسط حزب، مبارزه مسلحانه است. کنفرانس فوق‌العاده دوم به‌وضوح اعلام کرد که تمرکز اصلی در خارج از شهر است و بر همه اعضای حزب برای پیشبرد چنین کاری به‌عنوان اولین اولویت تأکید کرد. جنگ خلق مائوئیستی در ترکیه همچنان به رشد خود ادامه می‌دهد، گر چه با یکی از بی‌رحمانه‌ترین دولت‌ها در جهان که موردحمایت آمریکا و اسرائیل است، روبرو می‌باشد. حزب در طول چند دهه‌ی گذشته، چهار دبیر کل، و رهبران ارشد و بیش

از چهارصد کادر خویش را ازدست‌داده است و رشد جنبش مائوئیستی در این منطقه‌ی استراتژیک از جهان، امید زیادی برای نیروهای انقلابی اصیل و حقیقی در سراسر جهان خواهد بود.

درباره حزب کارگران کردستان(PKK)

تا دو سال قبل حزب کمونیست ترکیه/ مارکسیست-لنینیست(مرکز مائوئیستی)، (پ.ك.ك.) را به‌عنوان یک حزب ملی انقلابی که برای تشکیل یک ملت مجزا مبارزه می‌کرد، در نظر می‌گرفت. اما از آن زمان به بعد آنرا به‌عنوان یک حزب رفرمیست و اصلاح‌طلب ملی تغییریافته، تلقی می‌نماید.

با دستگیری عبدالله اوجالان رهبر پ.ك.ك، سیر تسلیم‌طلبی تسریع گردید. پ.ك.ك که یک شخصیت دوگانه داشت و تسلیم و سازشش غیرقابل‌انتظار نبود، اما هرگز تصور و تخمین زده نمی‌شد که تسلیم‌طلبیش تنها ظرف یک ماه اتفاق بیافتد. روند تسلیم‌طلبی و سازش‌کاری، برای دیگران، به‌عنوان‌مثال در مورد فلسطین، که ابتدا ازلحاظ ایدئولوژیک تسلیم گشت و تا زمان تسلیم نظامی نهایی چند سال طول کشید .

پس‌ازآنکه اوجالان و رهبری پ.ك.ك. تسلیم شدند، از ده هزار(۱۰،۰۰۰) نیروهای چریکی‌اش، یک‌سوم از آن منحل و بخش عمده‌ای از بقیه آن در کشورهای دیگر پراکنده شدند و تنها ۱۵۰ نفر از آنان به‌منظور از بین بردن مبارزان واقعی در داخل ترکیه حفظ شدند. چریک‌هایی هم که می‌خواستند مبارزه مسلحانه را برای آزادی کردستان ادامه دهند، توسط رهبری پ.ك.ك شناسایی و کشته شدند. بنابراین بعد از تسلیم شدن، حدود ۳۰۰ نفر از چریک‌های پ.ك.ك کشته‌شده‌اند. همچنین دو تن از اعضای کمیته مرکزی، که تلاش نمودند مبارزه مسلحانه را ادامه دهند، در منطقه درسیم کشته شدند.

اما مقاومت با تعدادی از چریک‌های بازسازمان یافته به نام "جنگجویان خط انقلابی پ.ك.ك." همچنان ادامه دارد ..

در اوایل، سه و نیم لاخ(هر لاخ که یک واحد در سیستم شمارش نفرات در آسیای جنوبی برابر با صدهزار نفر است) از یک‌میلیون ارتش نظامی ترکیه علیه پ.ك.ك. وارد میدان جنگ شده بودند، اما در حال حاضر و یک شبِ، بخش عمده‌ای از نیروی این ارتش آزادشده، و به‌طور عمده برای سرکوب حزب کمونیست ترکیه/مارکسیست-لنینیست(TKP/ML)متمرکزشده است.

مترجم: برهان عظیمی

بهمن ۱۳۹۲

***توضیح ضروری مترجم(یکشنبه، ۲۶ فروردین ۱۳۹۷):**

این اطلاعات مربوط به ۱۷ سال پیش است(سال ۱۳۸۰) است. و متأسفانه باگذشت زمان امروز اطلاع دقیقی از جنبش کمونیستی ترکیه وجود ندارد.

به رفقا پیشنهاد می‌شود خود شخصاً درباره وضعیت کنونی جنبش کمونیستی تحقیق و تفحص نمایند.

عکسی از رفیق "ابراهیم کایپاک کایا" در دادگاه فرمایشی دولت ترکیه

KAPAKKAYA

تمرینات نظامی ارتش آزادیبخش دهقانان و کارگران ترکیه، ارگان مسلح حزب کمونیست ترکیه، مارکسیست-لنینیست